

مقاله پژوهشی

خوانش منظرین روستا، شرط لازم توسعه مکان محور؛

نمونه موردی روستای درب گنبد شهرستان کوهدشت*

مهدی حسین زاده^{۱*}، محمد جمشیدیان^۲، ستاره نخشب^۳

۱. پژوهشگر دکتری معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

۲. پژوهشگر دکتری معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

۳. کارشناس ارشد معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۵ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱

چکیده | منظر روستایی به عنوان پدیده‌ای حاصل تعامل انسان با محیط را می‌توان نتیجه سیر اندیشه ساکنین و متأثر از عوامل فرهنگی و کالبدی روستا دانست. خوانش منظرین شرط لازم فهم کلی در راستای توسعه مکانمند روستا منطبق بر مؤلفه‌های مکانی و هستی آن است. این نوشتار با رویکردی کل نگر، براساس مشاهدات میدانی و انطباق آنها با منابع کتابخانه‌ای، مدلی از خوانش منظر بر مبنای مفهوم مکان ارائه کرده است. در این راستا طی مطالعه موردی روستای درب گنبد، بر اساس الگویی شامل سه مرحله منظر آن را مورد خوانش قرار داده است: نخست بررسی آثار روشنفکری همچون سفرنامه‌ها، اسناد و کتب تاریخی که تصویری کلی نسبت به عناصر منظر و ساختارهای آن را در اختیار خواننده قرار می‌دهند. دوم بررسی و شناخت هسته، مرکز و علت شکل‌گیری روستا به منظور درک علت هستی‌شناسانه و کلی آن. سوم بررسی وجه تسمیه به منظور فهم علت یا علل شکل‌گیری کلیت شهر. نتیجه‌گیری پژوهش حاکی از آن است که منظر روستا را حاصل رابطه معنادار بین عناصر رودخانه، دشت (مزارع کشاورزی)، امامزاده و کوه می‌داند. این عناصر در ارتباط با هم واحدهایی را تشکیل داده‌اند که این واحدها نیز در ارتباط با یکدیگر کلیت واحدی به نام روستا را پدید آورده است. مدل توسعه روستای درب گنبد در صورتی که روستا را به مثابه یک کل واحد از اجزای تشکیل‌دهنده خود در نظر بگیرد، به صورت متعادل و پایدار شکل خواهد گرفت. هرگونه مداخله‌ای در نظام روستا چنانچه با در نظر گرفتن رابطه معنادار بین این عناصر باشد موجب ارتقای منظر روستا مبتنی بر استعدادهای مکانی آن خواهد بود.

واژگان کلیدی | منظر، خوانش منظر، توسعه، مکان محور، روستا.

فرهنگی و کالبدی روستا دانست. هر روستا دارای محیط جغرافیایی ویژه‌ای است که در ارتباط با فرایند زیستن هویت یافته و این هویت در مؤلفه‌های آن متبلور می‌شود (ناصری، ۱۳۹۹). «منظر» و «مکان» بر اساس تعاریف علم جدید، مفاهیمی ترکیبی هستند. «مکان در نظریات جدید، پدیده‌ای فیزیکی-معنایی است که از ظهور رخدادی در جایی به وجود می‌آید و خصلت‌های دوگانه‌ای از خود بروز می‌دهد که قابل تفکیک نیست» (منصوری، ۱۳۸۹). منظر در واقع مکانی است که ساکنانش در آن تفکر کرده و آن را زیستگاه می‌پندارند (دونادبو به نقل از همتی، ۱۳۹۹). با این تعریف، شناخت و درک صحیح از مکانیت روستا، نیازمند مطالعه عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده نظام واحد و کلی روستا است. خوانش منظر تخصصی در حوزه معماری منظر است که در آن قرائت‌کننده منظر روستا را به مثابه مکانی معنایافته در ذهن مخاطب خود مطالعه می‌کند.

مقدمه | روستا از قدیمی‌ترین نهادهای تولیدی-اجتماعی و از اولین واحدهای بکر تولیدی است. روستا بنا به تعریفی عبارت از محدوده‌ای از فضای جغرافیایی است که واحد اجتماعی کوچکی مرکب از تعدادی خانواده که نسبت به هم دارای نوعی احساس دلبستگی، عواطف و علائق مشترک هستند، در آن تجمع می‌یابند و بیشتر فعالیت‌هایی که برای تأمین نیازمندی‌های زندگی خود انجام می‌دهند، از طریق استفاده و بهره‌گیری از زمین و در درون محیط مسکونی‌شان صورت می‌گیرد. این واحد اجتماعی که اکثریت افراد آن به کار کشاورزی اشتغال دارند در عرف محل، ده نامیده می‌شود (نیک‌خلق، ۱۳۸۱).

منظر روستایی را می‌توان نتیجه سیر اندیشه ساکنین و متأثر از عوامل

* این مقاله حاصل طرح پژوهشی «توسعه مکان محور؛ خوانش منظر روستایی در منطقه کوهدشت» است که زیر نظر دکتر «سید امیر منصوری» در سال ۱۴۰۲ در پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر به انجام رسیده است.

** نویسنده مسئول: mahdi.hoseinzadeh@ut.ac.ir، ۰۹۱۵۶۰۰۶۴۳۶

فرضیه

خوانش منظر شرط لازم فهم کلیت شهر در راستای توسعه مکانمند روستا منطبق مؤلفه‌های مکانی و هستی شهر است.

هدف

این پژوهش در پی خوانش منظر روستا با رویکرد کل‌نگر و روش سیستمی، به منظور دست‌یافتن به فهمی کلی از آن در راستای اتخاذ صحیح محور توسعه روستای درب گنبد منطبق بر استعدادهای مکانی، با هدف ارتقا منظر روستا است.

مبانی نظری

• معنای مکان

تاکنون تعاریف بسیاری درباره مفهوم «مکان» بیان شده است که همگی مدعی خاص بودن ماهیت «مکان» در برابر مفهوم عام‌تر «محیط» بوده‌اند. بر این اساس، محیط دربرگیرنده موقعیت مکانی و فیزیکی، فاقد معنی یا هرگونه ارزشی برآمده از تجربه فرد است (Lawton, 1982). در حالی که مکان یک پدیده چندوجهی بوده (Relph, 1976) که علاوه بر محیط فیزیکی، محیط اجتماعی را نیز در بر دارد. به عبارتی دیگر، مکان ترکیبی از فعالیت‌های انسانی، نقش‌ها و روابط آن‌ها با یکدیگر است (Tuan, 1977; Williams, 1999). افراد بر اساس تجارب، ارتباطات اجتماعی، احساسات و افکار خود در بستر کالبدی فضا به آن مفهوم مکان می‌بخشند (Stedman, 2003). به طور خلاصه مکان‌ها موقعیت‌های فیزیکی هستند که آغشته به ارزش و معنی شده‌اند (Williams, 1999; 2002).

نظریه پردازانی جهت تبیین مفهوم مکان، مدل‌هایی ارائه کرده‌اند که از این میان، می‌توان به مدل مکان رلف و کانتز اشاره کرد. رلف در کتاب «مکان و بی‌مکانی»، با نگاهی پدیدارشناسانه در پی چگونگی و چرایی معنی‌دار شدن مکان‌ها برای مردم است (Relph, 1976). او مکان را شامل سه مؤلفه «کالبد»، «فعالیت» و «معنا» می‌داند. او معتقد است که از میان این سه مؤلفه، معنا نسبت به دو مؤلفه دیگر از اهمیتی بیشتر دارد و رسیدن به آن را دشوارتر می‌داند (Tuan, 1977). کانتز نیز مدلی سه‌بخشی از مکان را متشکل از سه بعد در هم تنیده «فعالیت‌ها»، «تصورات» و «کالبد» ارائه می‌دهد و بر جنبه‌های فردی ادراک فضا تاکید می‌ورزد. رلف و کانتز دو رویکرد مختلف را نسبت به موضوع مکان نشان می‌دهند رلف با یک نگاه پدیدارشناسانه در حوزه جغرافیای انسانی به جنبه‌های خاصی از مفهوم مکان به ویژه معنای مکان توجه دارد در مقابل، کانتز با نگاهی روان‌شناسانه به مکان نگاهی اثبات‌گرایانه دارد (Canter, 1977; Ralph, 1997 & 1976; Canter, 1988, 10).

اما هر دو عناصر اصلی مکان را شامل سه مؤلفه وابسته به کالبد، فعالیت‌های درون آن و معانی برخاسته از آن می‌دانند (Canter, 1977; Relph, 1976). لذا «معنا» در این میان اهمیت

بسزایی می‌یابد.

با بروز نتایج طرح‌های توسعه روستایی درب گنبد شهرستان کوهدشت در سال‌های اخیر، متخصصان گرایش‌های مختلف به تدریج ابعاد گوناگون این مدل مداخلات را مورد ارزیابی، آسیب‌شناسی و نقد قرار داده‌اند. حتی بر پایه این نقد و بررسی‌ها، راهکارها و طرح‌هایی به منظور بهبود و رفع آسیب‌های به وجود آمده، ارائه شده و اقداماتی نیز بر پایه آن‌ها صورت گرفته است. اقداماتی که گاه با ادعای آسیب‌شناسی جامع و کشف علت، اقدام به مداخلات نموده‌اند اما غالباً در دستیابی به نتیجه مورد نظر موفق نبوده‌اند. نکته مغفول در این میان چرایی مثر ثمر نبودن این‌گونه مطالعات و مداخلات در شهر است. علت اصلی این مسئله را می‌توان در رویکرد حاکم بر مطالعات جست‌وجو کرد. به نظر می‌رسد غالب مطالعات، آسیب‌شناسی‌ها، راهکارها و اقدامات صورت‌گرفته، ناشی از تحلیل‌ها و نگاه‌های جزئی‌نگر بوده‌اند که صرفاً به منظور برطرف کردن آسیب‌های موضعی شناسایی شده و بدون شناخت کلی و بدون توجه به تاثیر مداخلات بر «کل» و بر دیگر اجزا اعمال شده‌اند. اقداماتی که گاه با صرف وقت و هزینه‌های زیادی صورت می‌گیرند و نتیجه، تغییر چندانی در بهبود وضعیت ایجاد نمی‌کند. چرا که فقدان رویکردی کل‌نگر، مانع شناختی منطبق بر واقعیت از زمینه، عناصر و روابط آنها شده و در نتیجه منجر به تشخیص درست و کامل مسئله نشده است. این در حالی است که هرگونه مطالعه، برنامه‌ریزی، اقدام و مداخله‌ای می‌بایست با شناخت و در نظر گرفتن کلیت روستا، رابطه اجزا در این کل و فهم دقیق از مسئله اصلی صورت گیرد، در غیر این صورت ناکام خواهد بود. پاسخ به سؤالات این پژوهش می‌تواند معیارهایی جهت شناسایی و ارزیابی محور صحیح توسعه بر پایه استعدادهای مکانی روستا در اختیار متخصصان و مدیران محلی قرار دهد. به عبارت دیگر متخصص منظر (قرائت‌کننده منظر) با رویکرد کل‌نگر روستا را به مثابه یک کل منسجم مورد مطالعه قرار داده و با خوانش عناصر منظر آن، شناختی منطبق بر واقعیت روستا را عرضه می‌کند؛ این شناخت لازمه هرگونه مطالعه، برنامه‌ریزی و مداخله در راستای توسعه پایدار روستا خواهد بود (تصویر ۱).

سؤالات پژوهش

در چارچوب نظری تخصص منظر بر مبنای مشاهدات میدانی صورت‌گرفته، پرسش‌های زیر مطرح می‌شود:

- نقش قرائت و شناخت منظر روستا در فرایند توسعه مکان محور آن چگونه است؟

- از دیدگاه تخصص منظر به منظور توسعه پایدار روستا پایه در شهرستان کوهدشت به چه مواردی باید توجه کرد؟ و چه عواملی می‌تواند منجر به ناپایداری توسعه خواهد شد؟



تصویر ۱. خوانش منظر مقدمه توسعه مکانمند. مأخذ: نگارندگان.

معنای مکان نشان دهنده کلی منحصر به فرد شامل فرد، محیط و تجربه درونی یک محل است (Stewart, 2008). در تعریفی دیگر، خلق مکان و معنا از یک فرایند پیوسته و در تعامل بین شخص، محیط اجتماعی و کالبد (محیط کالبدی) جریان می گیرد. این فرایند از معنای که به یک مکان داده شده و حس مکان که به طور فردی و اجتماعی ساخته شده است، حاصل می شود (Greider & Garkovich, 1994; Stokowski, 2002).

در واقع ارتباط فردی با مکان بر پایه خلق معنا برای آن مکان است، معنای مکان تحت تأثیر هویت فردی به عنوان شخصی است که به مکان معنا می بخشد. معنای مبتنی بر مکان اطلاعاتی درباره اینکه «ما چه کسی هستیم» و «ما چه کسی نیستیم»، «چطور ما تغییر کرده ایم» و «چه چیزی در ما در حال تغییر است» به ما می دهد. تا آنجا که افراد می توانند به واسطه معنابخشیدن به محیط، محیط ها را از فضای نامشخص به مکان های تعریف شده و محدود تبدیل کنند (Tuan, 1977).

به علاوه، بعضی مفهوم مکان را متأثر از مقاصد انسانی می دانند؛ در این باره رلف معتقد است: «مکان ها در فضای وجودی فرد می توانند به عنوان مراکزی از معنا یا کانون مقاصد و اهداف انسانی درک شوند» (Relph, 1976, 22). در این میان، معنای مکان می تواند تا حد زیادی به افرادی که در مکان حضور دارند و ویژگی های کالبدی مکان مرتبط شود تا به طور فعالانه از طریق گفت و گو و تعامل میان مردم، مکان های با معنا ساخته شود. در همین راستا تعدادی از نظریه پردازان حوزه مکان، مؤلفه های تأثیرگذار بر مخاطبان فضای شهری در خلق معنای مکان را مطرح کرده اند که در ادامه آورده شده است (لک و جلالیان، ۱۳۹۷).

گوستافسون در پژوهش خود، معنای مکان را در مدلی سه وجهی متشکل از «شخص»، «دیگران» و «محیط» تعریف کرده است. گوستافسون همچنین در بخشی دیگر از مطالعات خود چهار عامل زیربنایی را که در شکل گیری معنی نقش بسزایی دارند، معرفی کرده که شامل تمایز، ارزشمندی، پیوستگی و تغییر است (Gustafson, 2001, 12). همچنین استکلز به معنی مبتنی بر مکان، به عنوان ویژگی های غیر مادی محیط کالبدی - اجتماعی فرهنگی که در نتیجه ارتباطات مداوم که به وسیله فعالیت های گروهی ایجاد می شود و به مکان الصاق می شود اشاره می کند. به علاوه او نشان می دهد که معنای مبتنی بر مکان «چسب» آشنایی که مردم به مکان الصاق می کنند، هستند. از نظر او معنای که مبتنی بر ویژگی های مکان هستند، خیلی بیشتر از چگونگی عملکرد محیط، با فرد ارتباط برقرار می کنند (Stokols, 1981, 413).

به زعم نظریه پردازان حوزه مکان، معنای مکان ارتباط نزدیکی با مفهوم «حس مکان» دارد. این مفهوم در پژوهش های روان شناسی در جهت معرفی روابط کلی یک شخص با یک مکان شامل ادراک، احساسات و رفتار استفاده شده است

بنابراین با مدنظر قرار دادن حس مکان به عنوان مفهومی که پس از ادراک معنای مکان و قضاوت در رابطه با آنها صورت می گیرد، می توان به ارتباط تنگاتنگ این مفهوم با مفاهیمی نظیر ادراک مکان و معنای مکان پی برد که مبین نقش و جایگاه ویژه معنای مکان و ادراک در زمینه شکل گیری حس مکان است. برخی از پژوهشگران تلاش کرده اند قدرت حس مکان را با ایجاد یک مقیاس بر پایه سطح های متفاوت حس مکان مورد سنج قرار دهند. در همین راستا شامای سه سطح اصلی در خصوص مقیاس حس مکان معرفی کرده است: ۱. تعلق به یک مکان؛ ۲. دل بستگی به یک مکان؛ ۳. تعهد به یک مکان (Shamai, 1991, 347-358)، مانزو نیز به رابطه عاطفی میان انسان و مکان و ابعاد مختلف تجربه مکان توسط افراد پرداخته است، بنا به عقیده وی، محیط دارای معنای مختلف مثبت و منفی است که بسته به نوع تجربه آن توسط افراد به دست می آیند، یک محیط ممکن است برای فردی دارای معنای مثبت بوده و برای فردی دیگر، معنایی منفی به همراه داشته باشد. این امر وابسته به نوع ادراک و نحوه تجربه محیط توسط افراد است که به پیش زمینه های اجتماعی و فرهنگی آن ها بستگی دارد (Manzo, 2005, 84). بنابراین کشف یک مکان به عنوان یک پدیده از تجربه مستقیم، باید در رابطه با کل طیف تجارب (مثبت و منفی) مرتبط با مکان باشد (Relph, 1976). به بیان دیگر، احساسات و تجارب دوگانه، مثبت و منفی، در معنا بخشیدن به مکان مؤثرند.

گیبسون سطوح مختلف تعامل میان انسان و محیط را در شش سطح از معنا تعریف کرده است که سلسله مراتبی از سطوح افزایش یابنده، معنای محیط های شهری را از مراحل ادراک تا ارتباط با ارزش ها و مفاهیم غیر فضایی را شامل می شود. سطوح معنا بنا بر عقیده وی شامل معنای آبی و ابتدایی (مبین ویژگی های آشکار کالبدی)، معنای کارکردی (مبین عملکرد و سودمندی پدیده)، معنای ابزاری (پاسخگو به مقاصد و کاربردهای ویژه)، معنای ارزشی و عاطفی (مبین جنبه های احساسی قابل درک از پدیده)، معنای نشانه ای (مبین جنبه های نشانه ای پدیده و معنای نمادین می شود) (Gibson, 1950). در همین باره، بوردیو نیز معتقد است که هر پدیده معنایی را در دو سطح اولیه و ثانویه از خود نشان می دهد که در سطح اولیه، خصوصیات اصلی پدیده ها نظیر رنگ، شکل ها و ساختارها تجدید شده و در سطح ثانویه، معنای نمادین آنها گنجانده می شود. او به گونه دیگری از طبقه بندی معنای محیط در دو سطح از معنای به صورت «صریح» و «ضمنی» نیز اشاره دارد (Burdieu, 1977). در سطح رابطه عاطفی با مکان نیز جک نسر صاحب تئوری «تصویر ذهنی - ارزیابانه» محیط، در کتابی به همین نام، ضمن اشاره به اهمیت ارزیابی در رفتارهای افراد، با خلق عبارت «مهرانگیزی شهری»، دو عامل نقش انگیزی و ایجاد تأثیر عاطفی و حسی قوی را بر مهرانگیزی بودن مکان مؤثر می داند. از دید او اهمیت تاریخی یکی از پنج عاملی است که بر ترجیحات عاطفی و حسی

معنای مکان نشان دهنده کلی منحصر به فرد شامل فرد، محیط و تجربه درونی یک محل است (Stewart, 2008). در تعریفی دیگر، خلق مکان و معنا از یک فرایند پیوسته و در تعامل بین شخص، محیط اجتماعی و کالبد (محیط کالبدی) جریان می گیرد. این فرایند از معنای که به یک مکان داده شده و حس مکان که به طور فردی و اجتماعی ساخته شده است، حاصل می شود (Greider & Garkovich, 1994; Stokowski, 2002).

در واقع ارتباط فردی با مکان بر پایه خلق معنا برای آن مکان است، معنای مکان تحت تأثیر هویت فردی به عنوان شخصی است که به مکان معنا می بخشد. معنای مبتنی بر مکان اطلاعاتی درباره اینکه «ما چه کسی هستیم» و «ما چه کسی نیستیم»، «چطور ما تغییر کرده ایم» و «چه چیزی در ما در حال تغییر است» به ما می دهد. تا آنجا که افراد می توانند به واسطه معنابخشیدن به محیط، محیط ها را از فضای نامشخص به مکان های تعریف شده و محدود تبدیل کنند (Tuan, 1977).

به علاوه، بعضی مفهوم مکان را متأثر از مقاصد انسانی می دانند؛ در این باره رلف معتقد است: «مکان ها در فضای وجودی فرد می توانند به عنوان مراکزی از معنا یا کانون مقاصد و اهداف انسانی درک شوند» (Relph, 1976, 22). در این میان، معنای مکان می تواند تا حد زیادی به افرادی که در مکان حضور دارند و ویژگی های کالبدی مکان مرتبط شود تا به طور فعالانه از طریق گفت و گو و تعامل میان مردم، مکان های با معنا ساخته شود. در همین راستا تعدادی از نظریه پردازان حوزه مکان، مؤلفه های تأثیرگذار بر مخاطبان فضای شهری در خلق معنای مکان را مطرح کرده اند که در ادامه آورده شده است (لک و جلالیان، ۱۳۹۷).

گوستافسون در پژوهش خود، معنای مکان را در مدلی سه وجهی متشکل از «شخص»، «دیگران» و «محیط» تعریف کرده است. گوستافسون همچنین در بخشی دیگر از مطالعات خود چهار عامل زیربنایی را که در شکل گیری معنی نقش بسزایی دارند، معرفی کرده که شامل تمایز، ارزشمندی، پیوستگی و تغییر است (Gustafson, 2001, 12). همچنین استکلز به معنی مبتنی بر مکان، به عنوان ویژگی های غیر مادی محیط کالبدی - اجتماعی فرهنگی که در نتیجه ارتباطات مداوم که به وسیله فعالیت های گروهی ایجاد می شود و به مکان الصاق می شود اشاره می کند. به علاوه او نشان می دهد که معنای مبتنی بر مکان «چسب» آشنایی که مردم به مکان الصاق می کنند، هستند. از نظر او معنای که مبتنی بر ویژگی های مکان هستند، خیلی بیشتر از چگونگی عملکرد محیط، با فرد ارتباط برقرار می کنند (Stokols, 1981, 413).

به زعم نظریه پردازان حوزه مکان، معنای مکان ارتباط نزدیکی با مفهوم «حس مکان» دارد. این مفهوم در پژوهش های روان شناسی در جهت معرفی روابط کلی یک شخص با یک مکان شامل ادراک، احساسات و رفتار استفاده شده است

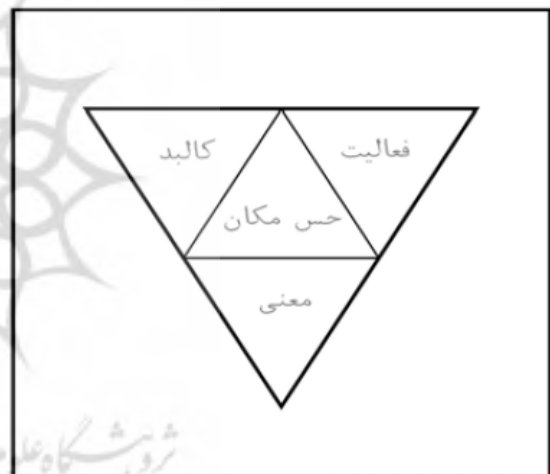
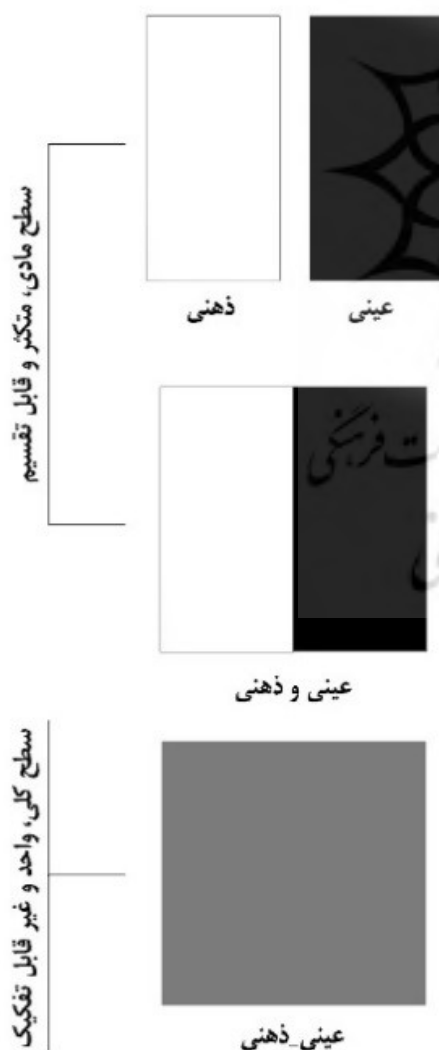
• مدل مکان رویکرد منظرین

منظر، گونه‌ای دیگر از مکان (منصوری، ۱۳۸۹، ۳۱-۳۳) و محصول تعامل انسان و محیط در فضای بیرونی است (برک، ۱۳۸۷). منظر دارای ماهیت مکان و محصول تجربه انسان در فضا و پدیده‌ای است عینی-ذهنی، پویا و نسبی که در تعامل با تاریخ و طبیعت شکل می‌گیرد (منصوری، ۱۳۸۳). زمینه تولید منظر، به‌عنوان شاخه‌ای جدید از علومی که به تحلیل و بررسی محیط زندگی بشر می‌پردازد، تفسیر غیر قطبی (غیر کارتزین) از جهان، نگرش سیستمی و تغییر تعریف معنا از «محتوای ذاتی ماده»، حاصل بازنگری در روش اندیشیدن انسان بود، فراهم ساخت (منصوری و فرزین، ۱۳۹۵، ۳۳). مهم‌ترین اصل در منظر سنتز یا برهم‌نهیست جزء کالبد و معنا، به گونه‌ای غیر قابل تفکیک و جدانشدنی است. به عبارت دیگر مهم‌ترین نکته‌ای که محل تمایز رویکرد منظر می‌شود و اختلاف واضح‌تری بین این گرایش با سایر گرایش‌ها تعریف می‌کند. کل‌نگر بودن آن است (تصویر ۴).

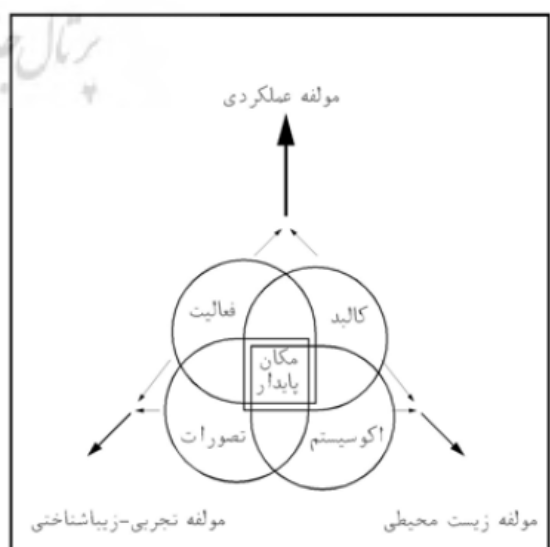
افراد و از طریق آن بر مهرانگیزی یک مکان از طریق کیفیت‌هایی مانند تمیزی و نگهداری خوب، اصالت تاریخی داشتن، نظم داشتن، رنگ طبیعی داشتن و وجود فضاهای باز و تعریف‌شده مؤثر است (Nasar, 1998).

همچنین پانتر در ۱۹۹۱ و مونتگمری در ۱۹۹۸ اجزای تفکر طراحی شهری در آفرینش مکان را در قالب مدل حس مکان رلف-پانتر و مدل مکان کانتر - مونتگمری با محوریت کالبد، فعالیت و معنی یا تصورات ارائه کرده‌اند. گلکار با افزودن بعد بوم‌شناسی به مدل کانتر روایت جدیدی از مدل مکان را در قالب «مدل مکان پایدار»، از کالبد، فعالیت، تصورات و اکوسیستم به عنوان مؤلفه‌های مکان نام می‌برد (گلکار، ۱۳۸۰) (تصاویر ۲ و ۳).

بنابراین بر مبنای مطالعات نظریه‌های مرتبط با مکان می‌توان گفت ادراک و تجربه مردم از مکان بنا بر نوع رابطه و نحوه تجربه افراد با مکان می‌تواند وجوه متفاوتی از معنا را در بر گیرد (لک و جلالیان، ۱۳۹۷).



تصویر ۲. حس مکان. مأخذ: جان پانتر، ۱۹۹۱ به نقل از گلکار، ۱۳۸۰.



تصویر ۳. مدل مکان پایدار. مأخذ: گلکار، ۱۳۸۰.

تصویر ۴. مدل دیدگاه کلنگر (منظرین). مأخذ: نگارندگان.

• توسعه مکانمند بر مبنای مدل منظر

توسعه پایدار فرایند توسعه‌ای است که از نظر اقتصادی پویا و پربازده، از نظر زیست محیطی، غیر مخرب، از نظر اجتماعی، عادلانه و قابل قبول و از نظر فناوری متناسب و مطلوب باشد (خاتون آبادی، ۱۳۸۴، ۳). توسعه پایدار، فرایند حفاظت و نگهداری از سیاره زمین و بوم‌سازان موجود در آن که به توسعه انسانی مطلوب و عادلانه منجر می‌شود، است (یوسفی نژاد، ۱۳۸۰، ۷).

شعار معروف «جهانی فکر کن، محلی رفتار کن» به خوبی بیانگر ابعاد زمینه‌گرایی و توجه به بستر و بوم است. توسعه پایدار شهری دارای ابعاد گسترده‌ای است. تکیه بر یکی از آنها منجر به پایداری نخواهد شد. غالب محققین بنابر تعریف گزارش برنات‌لند که در آن سه لایه، توسعه برابری و مساوات و حفاظت از محیط زیست مشخص شده، توسعه پایدار را در سه بعد اکولوژیکی یا محیط زیست اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهند (تصویر ۵). برخی دیگر از جمله زاکس دو بعد مکانی و فرهنگی را به تفکیک اضافه می‌کند. همچنین برخی مانند جیوارد، چالرز، کومار و دیگران معتقد به بعد پایداری نهادی و یا سیاسی در توسعه پایدار هستند. عدم دستیابی به هر یک از ابعاد موجب ضعیف شدن پایداری و دوری از شکل توسعه پایدار است (زاکس، ۱۳۷۲، ۱۰-۲ به نقل از خوش‌فر و همکاران، ۱۳۹۲، ۳۵).

مطابق استراتژی توسعه پایدار و همه‌جانبه روستایی، می‌بایست فرایندی همه‌جانبه و پایدار طی شود تا در چارچوب آن، «توانایی‌های اجتماعات روستایی» در جهت رفع نیازهای مادی و معنوی، در عین برقراری توازن میان اجزای تشکیل‌دهنده نظام سکونت محلی (اکولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی و نهادی)، رشد و تعالی یابد.

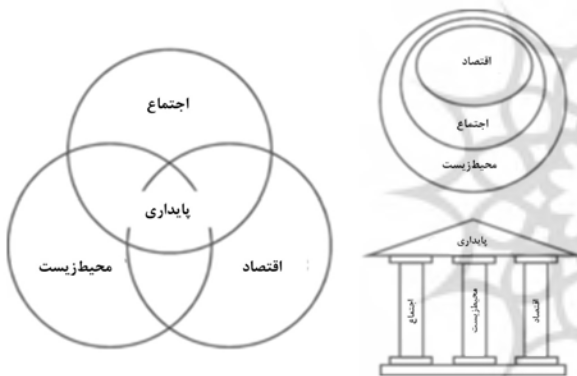
در واقع تمرکز بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی یا کالبدی و حتی زیست‌محیطی منجر به توسعه پایدار نخواهد شد. به عبارتی نگاه جزءنگر به ابعاد گوناگون در پدیده شهر امکان توسعه پایدار را فراهم نخواهد کرد. شهر اساساً یک سیستم کلی است که همه اجزای آن در تعامل با یکدیگر و با پیرامون خود انعطاف‌پذیر باقی بمانند. اینجاست که الزام به فهمی سیستمی و کل‌نگر نسبت به شهر در فرایند برنامه‌ریزی و اقدام در راستای توسعه پایدار ایجاد می‌شود. متخصص منظر با رویکرد کل‌نگر شهر را به مثابه یک کل منسجم مورد مطالعه قرار داده و با خوانش منظر شهری، شناختی منطبق بر واقعیت شهر را عرضه می‌کند (تصویر ۶).

روش تحقیق

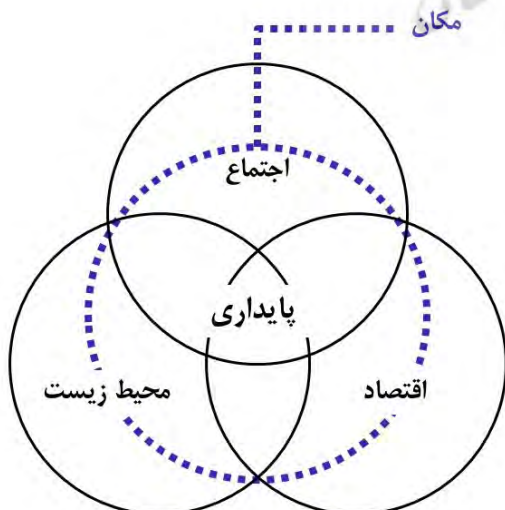
پژوهش حاضر از نوع کیفی مبتنی بر مطالعه موردی، مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی است. نوشتار با مطالعه هستی‌شناسانه نمونه موردی، به خوانش منظر روستای درب گنبد می‌پردازد. به این صورت که ابعاد وجودی این پدیده از طریق شناسایی عناصر اصلی پدیدآورنده منظر، نظام حاکم بر آنها و در نهایت واحدهای تشکیل‌دهنده منظر روستا، شناسایی و مورد تحلیل و بررسی قرار

خواهد داد. بنابر تعریف منظر، تفکیک کالبد و جنبه‌های ذهنی فضا، به دلیل ماهیت واحد و یکپارچه آن، که حاصل اتحاد عینیت و ذهنیت است، ممکن نیست. لذا در این پژوهش با اتکا به منابع کتابخانه‌ای ابتدا به بررسی مفاهیم مکان، توسعه و منظر پرداخته شد؛ سپس با بررسی اسناد و گزارشات، کتب تاریخی موجود و سفرنامه‌ها به مثابه اسناد روشنفکری در دوره‌های زمانی گوناگون و به عنوان منابع تاریخی در روایت کل‌نگر رویدادها، به خوانش منظر روستای درب گنبد و رابطه آن با توسعه پرداخته می‌پردازد. همچنین این نوشتار با تکیه بر مبانی نظری دانش منظر، شیوه‌های خوانش و شناخت مؤلفه‌های شکل‌دهنده به منظر، بهره‌گیری از مطالعات پیشین و با تکیه بر بازدیدهای میدانی و مصاحبه ساکنان بومی منطقه، مسئولین، خبرگان و فعالان در موضوع مورد مطالعه، به شناخت، تجزیه و تحلیل و در نهایت طبقه‌بندی نقش عناصر منظر در شکل‌دهی به منظر روستای درب گنبد می‌پردازد.

روش این پژوهش به منظور قرائت منظر شامل سه گام زیر خواهد بود:



تصویر ۵. بازنمایی ابعاد پایداری: چپ، پایداری به عنوان سه دایره متقاطع. بالا سمت راست، رویکرد تودرتو. پایین سمت راست، ستونی. طرح شماتیک با بیضی‌های تودرتو بر سلسله مراتب ابعاد تأکید می‌کند و «محیط» را به عنوان پایه و اساس در نظر می‌گیرد. مأخذ: Ben et al., 2019, 683.



تصویر ۶. مدل توسعه مکان محور بر پایه رویکرد کل‌نگر منظر. مأخذ: نگارندگان.

زیارت و سیاحت به‌خصوص در ایام عید نوروز به این مکان مقدس مشرف می‌شوند. (تصاویر ۷ و ۸).

- اسناد روشنفکری

از دیرباز در میان گپ و گفت‌های روزمره مردمان این دیار ترانه‌های لکی بسیار به گوش می‌خورد در میان ترانه‌های لکی به مقبره امامزاده محمد درب گنبد اشاره شده است:

«بو بچیمرا شاممه^۱ بینم چته منه می»

«بیا با هم به شاهزاده محمد برویم تا ببینم از من چه می‌خواهی»
معین‌السلطنه چاغروند، حاکم وقت لرستان در زمان قاجار درباره امامزاده شاه محمد چنین می‌نویسد:

امامزاده شاهزاده محمد (ع) در همین محل هلیلان مدفون است، به اندازه‌ای اهالی لرستان از این امامزاده کشف و کرامت دیده‌اند که تمام اموال طوایف طرهران و بالاوند و بعضی از طوایف پشتکوه و بعضی از طوایف دلفان در میان ایوان و صحن و اطراف امامزاده ریخته است، نه صاحب دارد و نه مستحفظ، احدی را جرات و قدرت نیست که دست به آن اموال دراز کند.

مسیر چریکف در سال ۱۸۴۹ م. از قسمت شمال لرستان از دره خلیلان وارد کوه‌دشت می‌شود و اشاراتی به شاهزاده محمد و بقیه عالی کیژان دارد و در ادامه به راه‌های که از هلیلان به خرم‌آباد

- نخست بررسی آثار روشنفکری همچون سفرنامه‌ها، اسناد و کتب تاریخی که تصویری کلی نسبت به عناصر منظر و ساختارهای آن را در اختیار خواننده قرار می‌دهند.

- دوم بررسی و شناخت هسته، مرکز و علت شکل‌گیری روستا به منظور درک علت هستی‌شناسانه و کلی آن.

- سوم بررسی وجه تسمیه به منظور فهم علت یا علل شکل‌گیری کلیت شهر.

بررسی عناصر و نظامات شکل‌دهنده منظر روستا بر مبنای آثار روشنفکری و منابع کتابخانه‌ای

در کتاب‌های تاریخی معصومین و کتابهای مربوط به امامزاده‌ها احوال اجداد این بزرگوار ذکر شده، که با بررسی آنها می‌توان پی برد که این روستا از گذشته به چه معرف بوده و علت این نام‌گذاری چیست.

- در کتاب تحفه الازهار تألیف ضامن بن شدقم المدنی الحسنی، چنین بیان نموده است:

قبره فی لرستان علی ماء سیمره و يعرف بشاه محمد علیه السلام قبر آن در لرستان در کنار رود سیمره است که به شاه محمد معروف است.

- امام زاده ابی جعفر احمد زاهد طبق آنچه در کتاب معجم البلدان و لغت‌نامه دهخدا آمده، می‌گوید:

قصری است منسوب به یزید بن عمر بن هبیره بن معیه‌والی عراق از طرف مروان بن محمد بن مروان. وی بر کنار فرات شهری ساخت و در آن سکونت کرد، چون مروان به وی سفارش کرد از مردم کوفه پرهیز کن آن شهر را رها ساخته و نزدیک پل سورا، قصری ساخت که بنام وی مشهور گشت.

• زیارتگاه (بقعه امامزاده محمد)

مهم‌ترین عامل در بقای اعتقادات و باورهای مردم، کالبد بخشیدن به آنها در قالب زیارتگاه‌هاست. رفتار انسان‌ها فضا را تعریف و آن را به یک مکان و جلوه‌گاهی از خاطره‌ها تبدیل می‌کند. آنچه در اماکن زیارتی، مذهبی و آیینی اتفاق می‌افتد، اتفاقی خودجوش است که مردم آن را به صورت ذاتی هدایت نموده و به عنوان یک ارزش از آن پاسداری می‌کنند. صرف نظر از کالبد اماکن مذهبی و آیینی آنچه اهمیت دارد رفتار و تعامل انسان‌ها حول محور یک کانون مقدس و جذاب است که منجر به ایجاد منظر آیینی می‌گردد. مردم به‌واسطه حضور یک کانون مقدس و یک بهانه ارزشمند صرف نظر از جنسیت و سن و طبقه اجتماعی و ... گرد یکدیگر و کانون مقدس جمع می‌شوند و به انجام اعمال معنوی، سیاحت و تفریح و تعامل با یکدیگر می‌پردازند و شاید بتوان گفت چنین کیفیتی را در هیچ کجا نتوان پیدا کرد (خرم‌روبی، ماهان و فرزین، ۱۳۹۷، ۵۵). امامزاده محمد (ع) در روستای درب گنبد که به نام شاهزاده محمد (ع) برای همگان معروف است یکی از نوادگان امام موسی بن جعفر (ع) است. این امامزاده تقریباً برای کل غرب کشور شناخته شده و مردم برای



تصویر ۷. بقعه امامزاده شاهزاده محمد سال ۱۳۴۳. مأخذ: www.yaftenews.ir



تصویر ۸. بقعه امامزاده شاهزاده محمد سال ۱۳۹۴. مأخذ: www.yaftenews.ir

بیان می‌دارند نقوشی مثل: سوارکار، اسب، شمشیر، تفنگ، کارد، دار قالی، قیچی، شانه یک‌طرفه و دوطرفه، پرنده، گل، شمع، شمعدان، مهر و تسبیح و سجاده، آفتابه، آئینه، بز کوهی، قوچ، هلال ماه، نقش خورشید، ستاره، قلیان، لوازم چای و غیره که متناسب با شرح حال وفات یافته از آنها استفاده شده است (تصویر ۹).

• رود سیمره (صیمره)

رود سیمره از پرآب‌ترین رودخانه غرب ایران است که در مرز لرستان و ایلام قرار دارد (تصویر ۱۰). روستای درب گنبد در مجاروت آن قرار گرفت و نقش مهمی در خوانش منظر این روستا دارد به طوری که در سفرنامه‌ها از آن یاد شده:

- اسناد روشنفکری

هنری راولینسن ۱۸۳۹ نخستین اروپایی است که شرح منتشر شده دست اولی در مورد این خطه از ایران از خود باقی گذاشته است (راولینسن، ۱۳۹۲، ۲۶-۱۱۶). راولینسون پس از عبور از شهر باستانی شیروان وارد ناحیه رودبار (احتمالاً همان رودبار شمال غرب کوه‌دشت) در امتداد شیروان می‌شود که به نظر وی در اینجا آثار شهر نسبتاً بزرگی موسوم به شهر رودبار که شباهت زیادی به شیروان دارد، یافت می‌شود:

«ناحیه رودبار در امتداد رود شیروان و در حدود شش فرسنگ ادامه می‌یابد و سرانجام در محل تلاقی این رود با رود کرخه (صیمره) خاتمه می‌یابد. احتمالاً این همان شهر رودبار است که بنیامین تودله از آن نام برده و یادآور شده است که بیست هزار خانوار یهودی در آن سکونت داشته‌اند.»

در شعری از دکتر حشمت محمدی به رود سیمره اشاره شده است:

خشکی کشماهور و خیران بره موج‌های سرد آب سیمره^۲

بررسی و شناخت هسته، مرکز و علت شکل‌گیری روستا

برای خوانش منظر روستای درب گنبد، از طریق شناخت هسته و ساختار آن به نظر می‌رسد باید به قبل از شکل‌گیری هسته آن رجوع کرد. هر چند تاریخچه دقیق و معتبری از نحوه پیدایش روستا به دست نیامده است، اما تعمیم این واقعیت تاریخی که در مورد

و هلیلان- دزفول به کوه‌دشت و مادیان‌رود اشاره کرده است (چریکف، ۱۳۵۸، ۹۷-۱۱۱).

• کوه (فیروز کوه)

از علل اصلی شکل‌گیری اسطوره‌ها و آیین‌های مربوط به آنها می‌توان به تلاش انسان برای شناخت جهان و در مرحله بعد تسلط یافتن بر عوامل و شرایط طبیعی اشاره کرد؛ به همین دلیل بسیاری از اسطوره‌های ایرانی در ارتباط با عناصر طبیعی شکل گرفته و آیین‌هایی مربوط به بزرگداشت و پرستش این عناصر را شکل داده‌اند. مکان‌های آیینی در بیشتر ادیان براساس ویژگی‌های طبیعی محیط و در ارتباط نزدیک با طبیعت تعیین می‌شدند (برقویی‌فرد، ۱۳۹۹، ۴۶). مکان‌های آیینی در بیشتر ادیان براساس ویژگی‌های طبیعی محیط و در ارتباط نزدیک با طبیعت تعیین می‌شدند. طبیعت فی نفسه به دلیل اهمیت و ارزش بالا مقدس شمرده شده و قدرت اماکن و مناظر مقدس به دلیل کیفیت همزمان محسوس (عینی) و نمادین (معنایی) عناصر طبیعی و ارتباط آنها با افسانه‌ها، اسطوره‌ها و خدایان منتسب به عناصر طبیعی است (Mann, 2010).

• نقش و نمادهای گورستان درب گنبد

سنگ گورهای لرستان بخشی مهم از فرهنگ، آداب و رسوم و آئین‌های گذشته تا به امروز این مرز و بوم را در خود نمایان می‌سازد. نقوش و نماد به کاررفته روی این سنگ قبور هر کدام خلاصه‌ای از زندگی دنیوی و همچنین زندگی جاودانی صاحب گور را به نمایش می‌گذارد که توسط حجاران و حکاکان منطقه به تصویر درآمده‌اند که با توجه به طبیعت منطقه که به لحاظ کوهستانی بودن تا حدود بسیار زیادی غنای خود را حفظ کرده‌اند و از نمادهایی استفاده کرده‌اند که تقریباً در تمام نقاط استان معنایی یکتا یا بسیار نزدیک به هم داشته‌اند (محمودی، رستمی و ملک‌زاده، ۱۳۹۷، ۲). نقش‌مایه‌ها و نمادهای حک‌شده بر سنگ گورها نشان‌دهنده اندیشه و ذوق و احساس مردمی هستند که در برخورد با نماد و نقوش دارای درکی نمادین بوده‌اند. بر روی سنگ قبور در گذشته، علائم و نقش‌هایی وجود دارد که هر کدام خصوصیات از وفات یافته، آداب، عادات، باورها، تمایلات و اعتقادات مردمان گذشته را



تصویر ۹. گورستان درب گنبد. مأخذ: www.mehrnews.com

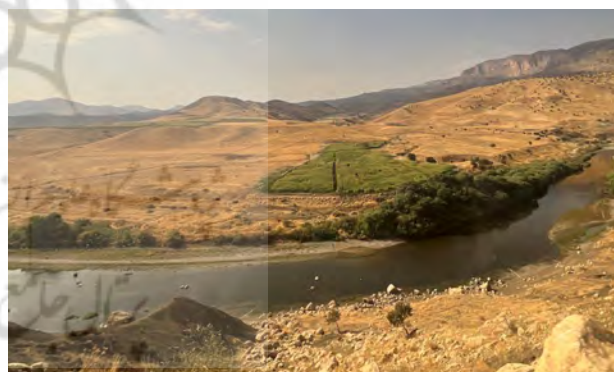
مطالعات و تحقیقات زمین‌شناسی حکایت از بستر جغرافیایی ویژه‌ای دارد که منطقه کوهدشت و سکونتگاه‌های اطراف را حول دریاچه‌ای عظیم تصویر می‌کند که بر اثر تغییرات لایه‌های زمین آب آن تخلیه شده، اما بستر مستعد آن به جای مانده است. «کوهدشت یک دریاچه پلویال بوده که در جریان یک فرایند اقلیمی و یا تکنیکی در آن پارگی ایجاد شده و ذخیره آبی آن به سمت جنوب تخلیه گردیده است» (حاتمی‌فرد، ۱۳۸۹) (تصویر ۱۱).

روستانه می‌توانسته در دامنه صخره‌ای کوه و نه در دامن بادخیز دشت مکان‌یابی شود، بنابراین در پناه کوه که از باد سرد و در عین حال شیب و بستر نامناسب زمین آسیب نبیند شروع به شکل‌گیری کرده است. اما علاوه بر این اصل کلی، خوانش منظرین روستای درب گنبد بیانگر ویژگی‌های بالقوه دیگر بستر شکل‌گیری آن است که این خوانش را غنی‌تر ساخته است.

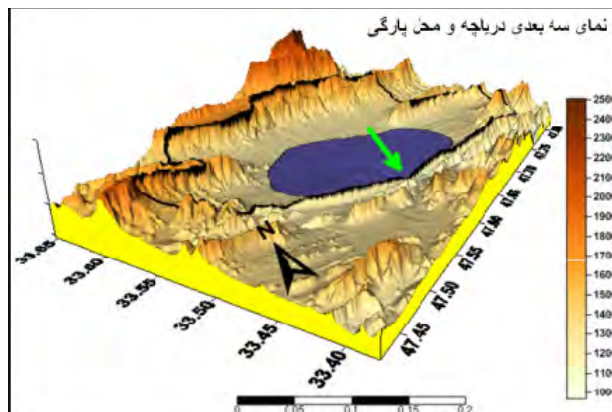
مشاهدات میدانی از روند رشد روستا نشان‌دهنده این است که روستا در جایی بین یک مکان مقدس و یک قابلیت طبیعی منحصر به فرد مکان‌یابی شده است. هرچند وجود یک مکان مقدس در بالای کوه بنا به شواهد فرهنگی و تاریخی می‌تواند خود یک قابلیت برای مکان‌یابی دفن فردی بزرگوار و مورد احترام باشد، با این وجود استعداد مکانی آن نقطه به عنوان پتانسیل زایش یا توسعه روستا بوده است. تقدس زمین در محل کنونی شاهزاده محمد (ع) از یک طرف و بستر صخره‌ای و نفوذناپذیر آن در بالادست، رشد این هسته را به پایین دست کوه کشانده است. از طرفی نیروی دیگر طبیعی که بر روند شکل‌گیری روستا وارد آمده است، حضور رودخانه سیمه در پایین دست ارتفاعات است. حاصلخیزی زمین‌های اطراف رودخانه که ناشی از آوردن رسوبات غنی توسط رودخانه بوده است در کنار بستر مسطح زمین، نواحی پایین دست را بهترین مکان برای کشاورزی کرده است (تصویر ۱۲).

سیر توسعه روستا نشان می‌دهد پس از شکل‌گیری بخش اولیه روستا در پایین محل فعلی شاهزاده محمد (ع) به تدریج فاصله بین زمین‌های کشاورزی و روستای اولیه پر می‌شود. این روال به مرور زمان و در سه مرحله از هسته اولیه آغاز و به توسعه ثانویه و توسعه نهایی منجر شده است. هسته اصلی روستا از محل امامزاده فعلی

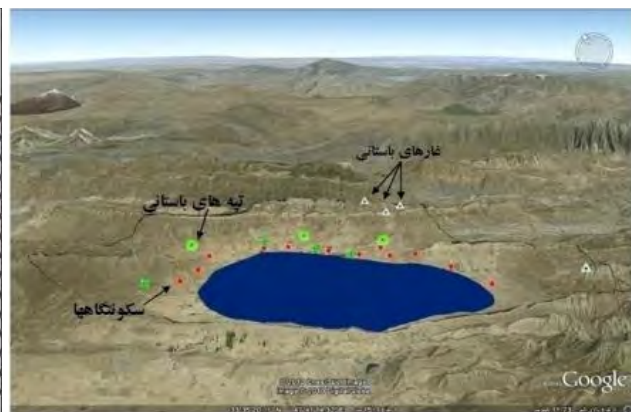
سایر روستاهای این منطقه مطرح شده است، می‌تواند صحیح باشد. این واقعیت تاریخی حاکی از یکجانشین کردن دستوری عشایر توسط حکومت پهلوی اول به دلایل مختلف و پیچیده زمامداری آن دوران است که در منابع تاریخی به مواردی مانند کنترل عشایر و جلوگیری از طغیان‌های دائمی آنها بر علیه حکومت مرکزی اشاره شده است. بدین ترتیب کوچ‌نشینان و عشایر توسط حکومت مجبور به یکجانشینی شدند تا نه تنها شهر فعلی کوهدشت بلکه تمامی روستاهای این شهرستان به عنوان یک محدوده وسیع جغرافیایی بدین شکل ایجاد شوند. بافت روستای کوهدشت که امروزه به عنوان شهر و مرکز شهرستان در تقسیمات سیاسی شناخته می‌شود، اساساً بدین ترتیب شکل گرفته است. با توجه به کوچ قشلاقی عشایر به این منطقه و سکنی‌گزیدن در فصل‌های سرد، مطالعه عموم روستاهای منطقه گواه مکان‌یابی اولیه روستا در مکانی بین دشت و کوه است. اصولاً خصلت کریدوری منطقه کوهدشت امکان این مکان‌یابی را به روستاهای منطقه بدین صورت می‌داده است. «کوهدشت همانند کریدوری، دشت‌های غرب کرمانشاه در شمال را به دشت‌های رسوبی خوزستان در جنوب وصل می‌کند. مناطق یادشده به راحتی با رودخانه سیمه که یک سر آن در کرمانشاه و سر دیگر آن در خوزستان است به یکدیگر متصل می‌شوند. این وضعیت جغرافیایی مطلوب در کنار پوشش گیاهی مناسب و انواع پستانداران و آبیان شرایط زیستی مناسبی را در این قسمت از غرب زاگرس میانی فراهم آورده است» (قبادی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰).



تصویر ۱۰. رود سیمه. مأخذ: آرشیو نگارندگان.



تصویر ۱۱. راست: توزیع شماتیک سکونتگاه‌های اطراف دریاچه (کوهدشت)، چپ: نمای سه‌بعدی دریاچه و محل پارگی آن در جنوب کوهدشت. مأخذ: حاتمی‌فرد، ۱۳۸۹.



رودخانه پرآب و ارزشمند سیمره مکان بایی زمین های زراعی و محدوده رشد روستا را تعیین می کند تا در نهایت روستا تا بالادست این زمین ها رشد فیزیکی کرده و در آنجا متوقف شود. روایت این داستان بخشی از خوانش منظر این روستاست که از شکل گیری تا توسعه هسته روستا را توضیح می دهد (تصویر ۱۵).

بررسی وجه تسمیه

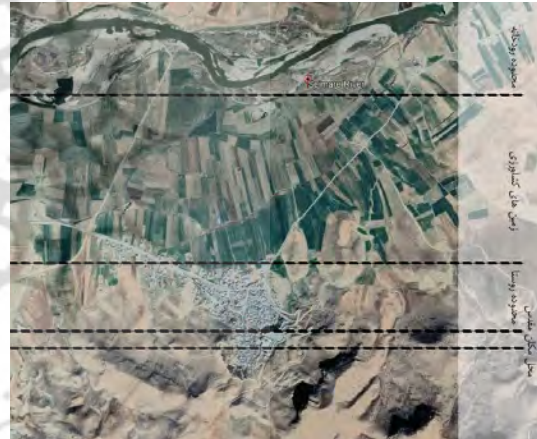
طبق مشاهدات میدانی صورت گرفته، بقعه امامزاده محمد بوده که در مجاورت فیروز کوه و میدانگاه آن، مهمترین کانون تجمع فعالیتی و عملکردی روستاست. به جهت تقدس بالای این امامزاده در نزد مردم این خطه نام روستا نیز منسوب به این امامزاده است. که در اصطلاح عامیانه و گویش محلی به آن (در گنبد)، درب گنبد نیز می گویند. مطالعات اولیه صورت گرفته توسط نگارندگان منتهی به کسب داده های موثقی در رابطه با وجه تسمیه این روستا و تاریخچه آن نشد. اما نکته قابل توجه میزان اهمیت مکان مقدس در ادراک مردم محلی است به طوری که روستا، نام، اعتبار و حیثیت کلی خود را در رابطه با آن تعریف می کند. این بدان معنی است که فارغ از تاریخچه دقیق نام گذاری روستا، در حال حاضر درب گنبد به مجاز از مکان مقدس را می توان جزء عناصر اصلی منظر روستا قلمداد کرد.

بحث

خوانش منظرین روستای درب گنبد تنها از لایه های عینی آن و از طریق هسته آن، هر چند ما را به درک کاملی از شخصیت روستا نمی رساند، اما نشان دهنده ریشه های مهمی از زایش و رشد آن است. نیروی بارورکننده فضا برای تولد این سکونتگاه، نیرو یا نیروهای هدایت کننده آن و نیروهای محدودکننده زمین یک الگوی مطالعه و خوانش منظر را به دست می دهد که برای هر روستا منحصر به فرد است، اما می تواند یک تجربه مشابه باشد. نمودار یا الگوی زیر می تواند برای هر روستا گسترده تر یا مختصر تر باشد، اما روشی برای خوانش منظرین آن است تا از یک مطالعه و مشاهده مکانمند، تصمیماتی مکانمند را نیز به دنبال داشته باشد (تصویر ۱۶).

تا میدان بسیج بوده است که خیابان کشی های اصلی به خارج از روستا نفوذ کرده و تا محل دوراهی منتهی الیه جاده اصلی ادامه پیدا می کند و توسعه ثانویه روستا را منجر می شود. بخش سوم روستا در امتداد جاده ای که از قلمروی گذشته روستا بیرون زده تا زمین های کشاورزی ادامه پیدا کرده است (تصویر ۱۳).

این ساختار که در انتهای خود از لحاظ فرمی به باریکه ای منتهی می شود گویای خوانشی دیگر از منظر و زیرساخت های روستاست که مسیرهای آب یا مسیل ها را خط تعیین کننده راستاهای اصلی شهر می کند. در بالادست تعداد انشعابات بیشتر و هر چه به نواحی شمالی نزدیک تر می شویم این انشعابات کمتر شده، در نهایت به یک محور اصلی می رسد که همان جاده امتداد طولی روستاست. بنابراین می توان گفت فرم توسعه کالبدی روستا نیز بر مبنای نوع حرکت آب و پخشایش و نفوذ به زمین های کشاورزی بوده است (تصویر ۱۴). بدین ترتیب این ویژگی های کالبدی و معنایی هستند که مکان بایی، ایجاد هسته و رشد آن را شکل داده اند. یک نیروی معنای جرقه اولیه تشکیل سکونتگاه را می زند، همین نیرو و نیروهای کالبدی و جغرافیایی زمین مانع از گسترش سکونتگاه به بالادست شده، مسیر توسعه را به نواحی پایین دست شمالی هدایت می کنند، آبراهه ها مسیر معابر و استخوان بندی روستا را ترسیم می کنند و وجود



تصویر ۱۲. موقعیت قرارگیری عناصر زاینده (کوه و مکان مقدس) روستا، بدنه آن و عنصر محدودکننده آن (رودخانه سیمره). مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۳. مراحل رشد روستا بر اساس تحول عکس های هوایی گوگل، به ترتیب از بالا به پایین مربوط به سال های ۲۰۰۸، ۲۰۱۱، ۲۰۱۷، و ۲۰۲۲. مأخذ: GOOGLE.EARTH.

وضعیت کنونی درآمده است. این عوامل و اثرگذاری آنها مانند ژن‌های نهفته در هسته در تمام مراحل رشد و توسعه حضور دارند. چنانچه ژن موجود در هسته یک میوه تمام ویژگی‌های ثابت فیزیکی آن مانند طعم و مزه و رنگ را به میوه منتقل می‌کند، هسته مرکزی شکل‌دهنده به روستا نیز خواص اصلی آن را در مراحل رشد به آن می‌بخشد. هرچند نیروهایی در روند رشد روستا ممکن است مسیر توسعه روستا را تغییر دهند، به عنوان مثال جاده حد فاصل اراضی زراعی و بافت مسکونی روستای درب گنبد ارتباط ارگانیک بین این دو مجموعه را از بین برده است یا عبور جاده از میان زمین‌های کشاورزی را نمی‌توان آن‌چنان منطبق بر وضعیت طبیعی زمین قلمداد کرد. برای درک بهتر مکان‌گزینی هر یک از عناصر منظر در روستای درب گنبد و تأثیر آنها بر یکدیگر، بر شکل‌گیری روستا و منظر آن (تصویر ۱۷) می‌توان گفت به طور کلی روستا دارای سه واحد کلی منظر است. واحد اول، عرصه آیینی است که در ذهن و ادراک اهالی روستا و همچنین گردشگران همواره وجود دارد. واحد دوم، عرصه آرامستانی است، گورستان تاریخی درب گنبد با قرارگیری بر مرتفع‌ترین قسمت روستا و همچنین نقش و نگارهای باستانی آن همواره در ذهن ماندگار است و واحد سوم که شامل عرصه تفریحی است، محوطه‌ای برای کمپ که بر روی کوه و در مجاورت آرامستان قرار گرفته و بیش از پیش بر وجه گردشگری روستا افزوده است.

نتیجه‌گیری

روستا به عنوان یک منظر محصول تعامل انسان و طبیعت و خوانش منظرین از آن یک تحلیل کل‌نگر است. نمونه خوانش منظرین روستای درب گنبد در این مقاله از خلال شناخت هسته و نحوه رشد آن، بیانگر استخراج صفات و به بیان فیزیولوژیک ژن‌هایی در هسته آن است که در تمام مراحل رشد و توسعه همراه و همزاد همه فضاهای روستاست. این صفات که شخصیت یا مکانیت روستا را شکل می‌دهند، همان قابلیت‌هایی هستند که اساس توسعه مکانمند یا توسعه بر اساس ویژگی‌های مکان هستند. خوانش منظرین خوانشی سرزمینی است که ورای جغرافیای

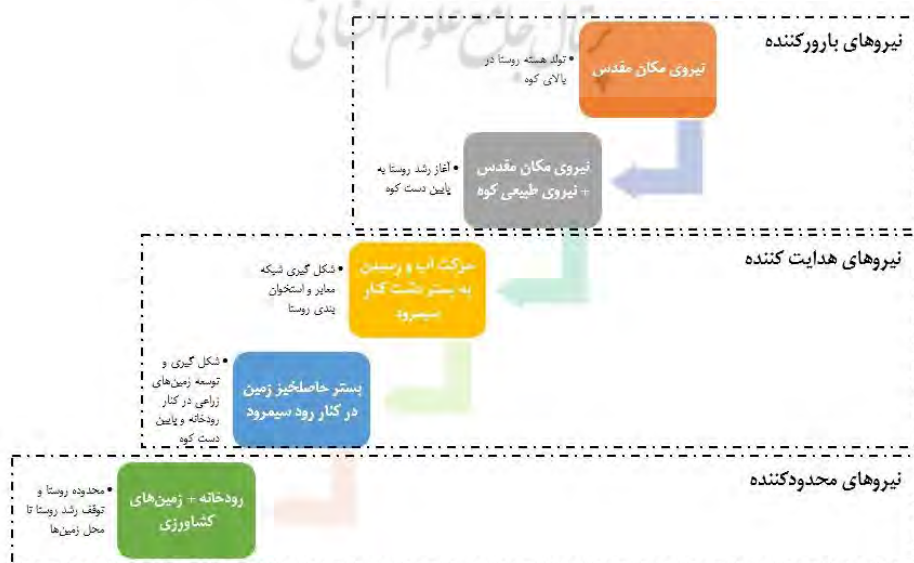
رویکرد کل‌نگر در خوانش روستای درب گنبد، بدین ترتیب فقط نقش عوامل جغرافیایی را به تنهایی در شکل‌گیری روستا و ایجاد هسته مرکزی آن اثرگذار نمی‌داند. عامل تاریخی یکجانشین کردن عشایر، عامل فرهنگی وجود مکان مقدس روی کوه، عامل جغرافیایی موقعیت رودخانه و دشت حاصلخیز در کنار ارتفاعات کوه، تصویری از روستای درب گنبد حاصل می‌کند که با رشد و توسعه بر مبنای اثرگذاری همه این عوامل به



تصویر ۱۴. توسعه ساختار روستا بر مبنای خطوط آبراهه‌های منشعب از ارتفاعات جنوبی. مأخذ: نگارندگان.



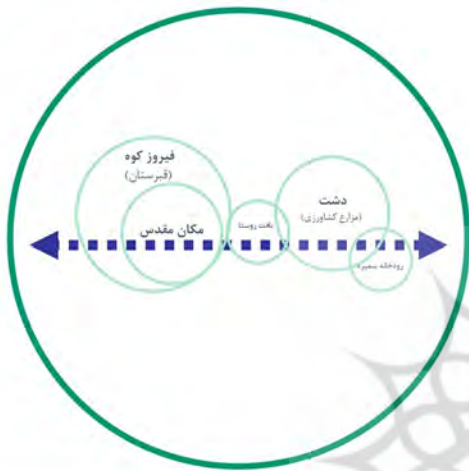
تصویر ۱۵. چشم‌انداز از محل امام‌زاده به سمت روستا، زمین‌های کشاورزی و رودخانه سیمره. مأخذ: آرشیو نگارندگان.



تصویر ۱۶. خوانش منظرین روستای درب گنبد بر مبنای نیروهای اثرگذار بر آن. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۷. نحوه قرارگیری عناصر منظر روستا. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۸. مدل منظر روستای درب گنبد. مأخذ: نگارندگان.

مداخله در روستا می‌بایست با توجه به ارتباط معنادار بین این عناصر صورت‌بندی شود. این مطالعه در نهایت راهبردهای خود را در دو دسته اصلی طبقه‌بندی ارائه می‌کند:

• راهبردهای حفاظتی

- تعیین حریم، حفظ و احیا منظر بافت از طریق حفاظت از عناصر سازنده منظر، مانند عملکردها، بناهای تاریخی شهر و ...
- بازتولید و انباشت لایه‌های معنایی شهر در راستای تداوم هویت و تقویت نقش خاطره‌ای و ادراکی آن.

• راهبردهای توسعه‌گری

- شناخت کلیت شهر اعم از عناصر، روابط، ساختارها و معانی به منظور ارتقای زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی به صورت یک کل منسجم.
- هر عاملی که این ارتباط را مخدوش کند، مخرب منظر و ضد توسعه، و هر مداخله که آن را تقویت کند ارتقا دهنده منظر و توسعه روستاست.

به‌کاربندی و بهره‌گیری از این دو دسته راهبرد که هر دو بر فهم کلی و فهم منظرین روستا استوار است، می‌تواند منتج به منظری مطلوب و ارتقایافته در دو دهه پیش رو برای روستا شود.

سیاسی به روستا و قلمروی آن می‌نگرد. چنانچه این روایت از منظر روستای درب گنبد تا آن طرف مرز سیاسی استان لرستان و در محدوده استان ایلام نیز پیش می‌رود چرا که ویژگی‌های منتقل شده از هسته بر مبنای ویژگی‌های مکانی روستا پیش می‌روند، نه تصمیمات مدیریتی و تقسیمات سیاسی.

بر مبنای مشاهدات و مطالعات صورت گرفته منظر کنونی روستای درب گنبد در شهرستان کوه‌دشت، بستری از طبیعت در جوامع انسانی است که در طول زمان به واسطه فعالیت‌های بشری تغییر یافته و به شکل منظر آیینی و فرهنگی جلوه می‌کند. منظری که حاصل تلفیق فعالیت‌های انسان و طبیعت است و این مناظر نمایانگر تکامل جوامع بشری طی زمان است که در اثر بازدارنده‌های فیزیکی، ویژگی‌های محیط طبیعی و عوامل درونی و بیرونی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی خلق شده‌اند. در روستای درب گنبد مشخصه‌های مختلف از جمله ویژگی‌های طبیعی و شاخصه‌های معنایی، در جهت فراهم‌آوری امکان سکونت انسان و در ارتباط با یکدیگر عمل می‌کنند، بر این اساس، مناظر روستایی به عنوان یک نقطه اجتماعی متصل به طبیعت، واجد ویژگی‌های بصری و معنایی مشترکی هستند (تصویر ۱۸).

عناصر منظر شهری به مثابه نشانه‌های تعامل انسان با محیط در سیر زمان، در واقع نشانه‌هایی از ادراک مردم (شهروندان) از شهر را در اختیار ما قرار می‌دهد. خوانش این نشانه‌ها در درب گنبد ما را در درک کلی و صحیح از روستا یاری کرد. بنابر مطالعات صورت گرفته می‌توان نتیجه گرفت که منظر روستا به صورت یک کل متشکل از چند زیر واحد و هر واحد از چند عنصر اصلی تشکیل شده است. عناصر اصلی منظر روستا عبارتند از: رودخانه، دشت شامل مزارع کشاورزی، بافت روستا، مکان مقدس، کوه و آرامستان. بنابراین می‌توان منظر روستا را این‌گونه توصیف و خوانش کرد: منظر روستای درب گنبد عبارت است از ارتباط معنادار بین این عناصر که حول محوری از رودخانه تا کوه کشیده شده و تمامی اجزای روستا حول آن قوام یافته است. در این میان عناصر کوه، رودخانه جزو عناصر طبیعی منظر روستاست که طی زمان طبق نظمی ارگانیک پدید آمده همچنین مکان مقدس نیز هر چند جزو عناصر انسان‌ساخت به شمار می‌رود اما آن هم طبق نظمی ارگانیک میان کوه و رودخانه شکل گرفته، توسط روستاییان معنادار شده و منظر روستا را شکل داده است. عناصر دیگر منظر روستا یعنی میدانه و آرامستان به صورت انسان‌ساخت و با نظمی دستوری پدید آمده‌اند. مدل توسعه روستای درب گنبد در صورتی که روستا را به مثابه یک کل از اجزای اصلی تشکیل دهنده خود در نظر بگیرد، به صورت متعادل و پایدار شکل خواهد گرفت. امام‌زاده اگر چه مزیت نسبی روستا محسوب می‌شود اما تمرکز صرف بر آن در صورتی که موجب برهم خوردن تعادل عناصر ذکر شده شود، خطر ناپایداری در توسعه و آسیب‌های متعاقب را به دنبال خواهد داشت. بنابراین هر گونه

پی‌نوشت

۱. به زبان لکی و محلی شاممه (شاهزاده محمد)
۲. شعر قوتل از دکتر حشمت محمدی

- in search of conceptual origins. *Sustainability Science*, 14 (3), 681-695. doi:10.1007/s11625-018-0627-5.
- Bourdieu, P. (1977). *Outline of a Theory of Practice*. Cambridge University Press.
 - Canter, D. (1977). *The Psychology of Place*. St. Martin's Press.
 - Canter, D. (1988). *Action and place: An existential dialectic*. Aldershot.
 - Gibson, J. (1950). *The perception of the visual world*. Houghton Mifflin.
 - Greider, T. & Garkovich, L. (1994). Landscapes: The social construction of nature and the environment. *Rural Sociology*, 59 (1), 1-24. DOI:10.1111/j.1549-0831.1994.tb00519.x
 - Gustafson, P. (2001). Meanings of place: Everyday experience and theoretical conceptualizations. *Journal of Environmental Psychology*, (21), 5-16.
 - Nasar, J. L. (1998). *The evaluative image of the city*. Sage Publications, the University of Michigan.
 - Lawton, M. P. (1982). Competence, environmental press, and the adaptation of older people. In Lawton, M. P., Windley, P. G., Byerts, T. O. (Eds.), *Aging and the Environment*. Springer.
 - Low, S. M. & Altman, I. (1992). Place attachment: a conceptual inquiry. In I. Altman & S. M. Low (Eds.), *Place attachment*. Plenum Press. Relph, E. (1976). A Pragmatic Sense of Place. *Environmental and architectural Phenomenology*, 20 (3), 24-31.
 - Mann, A. T. (2010). *Sacred landscape: The threshold between worlds*. Sterling.
 - Manzo, L. C. (2005). For better or worse: Exploring multiple dimensions of place meaning. *Environmental Psychology*, (25), 67-86.
 - Shamai, S. (1991). Sense of place: an empirical Measurement. *Israel, Geoforum*, (22), 347- 358.
 - Stedman, R. C. (2003). Is it really just a social construction? The contribution of the physical environment to sense of place. *Society and Natural Resources*, (16), 671-685.
 - Steele, F. (1981). *The sense of place*. CBI Publishing Company, Inc.
 - Stewart, W. (2008). Place meanings in stories of lived experience. Vols. General Technical Report PNW-GTR, In L. E. Kruger, T. E. Hall & M. C. Stiefel (Eds.), *Understanding concepts of place in recreation research and management*. US Department of Agriculture, Forest Service, Pacific Northwest Research Station.
 - Stokols, D. (1981). *Group place transactions: some neglected issues in psychological research on settings*. Lawrence Erlbaum, Hillsdale.
 - Stokowski, P. A. (2002). Languages of place and discourses of power: constructing new senses of place. *Journal of Leisure Research*, 34(4), 368-382.
 - Tuan, Y. (1977). *Space and place: The perspective of experience*. University of Minnesota Press.
 - Williams, A. (1999). *Therapeutic Landscapes: The Dynamic between Place and Wellness*. University Press of America.
 - ابرقویی فرد، حمیده. (۱۳۹۹). منظر آیینی از نگاه گردشگری. گردشگری فرهنگ، ۳(۳)، ۴۳-۵۰. doi: 10.22034/toc.2020.242722.1016.50-43
 - برکه آگوستین. (۱۳۸۷). منظر، مکان، تاریخ (ترجمه مریم منصور). باغ نظر، ۹(۹)، ۸۱-۹۰.
 - چریکف. (۱۳۵۸). سیاحتنامه مسیوچریکف (به کوشش علی اصغر عمران) (ترجمه آبکار مسیحی). شرکت سهامی کتابهای جیبی.
 - حاتمی فرد، رامین. (۱۳۸۹). تحولات پلنوهیدرولوژی و ژئومورفولوژی کوهدشت (پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
 - خاتون آبادی، سید احمد. (۱۳۸۴). تعیین برخی ابعاد خصوصی سازی ترویج کشاورزی از دیدگاه کارشناسان و مروجین کشاورزی، مطالعه موردی استان اصفهان. تولید و فرآوری محصولات زراعی و باغی، ۹(۱)، ۴۰-۶۰. URL: http://cpp.iut.ac.ir/article-1-280-fa.html
 - خرم رویی، ریحانه؛ ماهان، امین و فرزین، احمدعلی. (۱۳۹۷). تبیین مفهوم منظر آیینی و بررسی جلوه های تبلور آن. هویت شهر، ۱۳(۳۸)، ۵۱-۶۲.
 - خوش فر، غلامرضا؛ بارگاهی، رضا و کرمی، شهاب. (۱۳۹۲). سرمایه اجتماعی و پایداری شهری (مورد مطالعه: شهر گرگان). مطالعات شهری، ۲(۸)، ۳۱-۴۶.
 - راولینسن، سر هنری. (۱۳۹۲). سفرنامه راولینسون (گذر زهاب به خوزستان) (ترجمه سکندر امان اللهی بهاروند). آگاه.
 - قبادی زاده، حمزه؛ محمدی قصریان، سیروان و محمدیان، محمدرضا. (۱۴۰۰). بررسی و مطالعه زیستگاه های دوره مس و سنگ شمال غرب کوه دشت لرستان. مطالعات ایران شناسی، ۷(۲)، ۳۳-۵۱.
 - گلکار، کورش. (۱۳۸۰). مؤلفه های سازنده کیفیت طراحی شهری. صفحه ۱۱، ۳۸-۶۵.
 - لک، آزاده و جلالیان، سحر. (۱۳۹۷). تجربه معنای مکان فضای شهری: کاربرد تحلیل محتوای کیفی در کشف معنای «باغ فردوس». مطالعات معماری ایران، ۷(۱۳)، ۷۱-۸۸. doi: 10.22052/1.13.71
 - محمودی، فتنه؛ رستمی، مصطفی و ملک زاده، سودابه. (۱۳۹۷). نمادشناسی نقش مایه های سنگ مزارهای لرستان. اولین کنفرانس ملی نمادشناسی در هنر ایران با محوریت هنرهای بومی. دانشگاه بجنورد.
 - منصور، سید امیر. (۱۳۸۲). درآمدی بر شناخت معماری منظر. باغ نظر، ۱(۲)، ۶۹-۷۸.
 - منصور، سید امیر. (۱۳۸۹). چستی منظر شهری. منظر، ۲(۹)، ۳۰-۳۳.
 - منصور، سید امیر و فرزین، احمد علی. (۱۳۹۵). رویکرد منظرین در طراحی شهر، روش شناسی طراحی فضای شهری. پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر.
 - ناصری، سینا. (۱۳۹۹). بررسی منظر بومی کرمان با تأکید بر منظر روستایی به عنوان میراثی در خطر. گردشگری فرهنگ، ۳(۳)، ۳۷-۴۲. doi: 10.22034/toc.2020.249628.1023.42-37
 - نیک خلق، علی اکبر. (۱۳۸۱). جامعه شناسی روستایی. چاپخش.
 - همتی، مرتضی. (۱۳۹۹). تبیین الگوی شناختی گردشگری روستایی با رویکرد منظر. گردشگری فرهنگ، ۲(۱)، ۳۹-۴۶. doi: 10.22034/toc.2020.243927.1019.46-39
 - یوسفی نژاد، مجید. (۱۳۸۰). بررسی دیدگاه های مدیران منابع طبیعی نسبت به توسعه پایدار، جنگل و مرتع، ۵(۵۰).
 - Altman, I. (1992). *Human Behavior and Environment. V. 12: Place Attachment*. Plenum Press.
 - Ben, P, Yong, M. & Darren, R. (2019). Three pillars of sustainability:

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Tourism of Culture journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

حسین زاده مهدی؛ جمشیدیان، محمد و نخشب، ستارم. (۱۴۰۳). خوانش منظرین روستا، شرط لازم توسعه مکان محور؛ نمونه موردی روستای درب گنبد شهرستان کوهدشت. گردشگری فرهنگ، ۵(۱۶)، ۲۴-۳۵.

DOI: 10.22034/toc.2024.455215.1157

URL: https://www.toc-sj.com/article_195349.html

